بررسی رابطهٔ هوش معنوی با مسئولیت‌پذیری و شادکامی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه

مهناز فاطمی عقدا*

چکیده

پژوهش حاضر با هدف مطالعه رابطهٔ هوش معنوی، مسئولیت‌پذیری و شادکامی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهر قزوین در سال تحصیلی۹۶-۱۳۹۵ انجام شده است. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش کلیه دانش آموزان دختر مقطع متوسطه شهر قزوین بودند که از میان آنان ۱۵۰ نفر با روش نمونه‌گیری دردسترس به عنوان نمونه انتخاب شده اند. به منظور گردآوری داده‌های پژوهش، از پرسشنامه اندازه‌گیری هوش معنوی ناصری(۱۳۸۷)، پرسشنامه شادکامی آکسفورد (۱۹۸۹) و پرسشنامه تفسیرهای مسئولیت سالکوسکیس(۲۰۰۰) استفاده شده است. داده‌های پژوهش با روشهای آمار توصیفی و استنباطی (همبستگی پیرسون، رگرسیون و آزمون t) با بهره‌گیری از نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شده اند. نتایج پژوهش بیانگر این بود که هوش معنوی می‌تواند پیش‌بینی کننده مثبت و معنادار شادکامی دانش آموزان دختر مقطع متوسطه ($P< ۰/۰۰۱$) باشد و ۸ درصد از واریانس آن را پیش بینی کند. همچنین نتایج نشان داد که مسئولیت‌پذیری می‌تواند پیش‌بینی کننده مثبت و معنادار شادکامی دانش‌آموزان ($P< ۰/۰۰۱$) باشد و ۱۸ درصد از واریانس آن را پیش بینی کند. بر اساس نتایج به‌دست آمده مسئولیت‌پذیری در مقایسه با هوش معنوی پیش‌بینی کننده قوی‌تر شادکامی دانش آموزان است.

کلید واژگان: هوش معنوی، مسئولیت‌پذیری، شادکامی، دانش آموزان

تاریخ دریافت: ۹۷/۳/۲۳ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۲/۱۵

* عضو هیأت علمی گروه روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور m.fatemi@pnu.ir

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1399.36.2.7.3]

مقدمه

جوانان و نوجوانان از سرمایه‌های ارزشمند هر جامعه به شمار می آیند و سلامتی و شادابی آنان نیز لازمه سلامت یک جامعه است. یکی از مؤلفه‌های مهم سلامت روان، شادکامی است که در دهه‌های اخیر مورد توجه محققان، به‌ویژه نظام آموزش و پرورش کشورها قرار گرفته است و سازمان بهداشت جهانی، آن را مهم‌ترین مؤلفهٔ سلامت دانش‌آموزان قلمداد کرده است (لین، لین و وو[1]، ۲۰۱۰، به نقل از رئیسی وهمکاران، ۱۳۹۲). شادی به نوعی معنای زندگی یا معنا دادن به زندگی است (هیلز و آرگایل[2]، ۲۰۰۱). هیجانات مثبت، رضایت در زندگی و فقدان عواطف منفی، روابط مثبت با دیگران، هدفمند بودن زندگی، رشد شخصی و دوست داشتن دیگران، احساس رضایت از خود و محیط اطراف خود نیز تعریفی از شادکامی است (سیسک[3]، ۲۰۰۸). ارسطو سه نوع شادمانی را مطرح کرده است. پایین‌ترین سطح شادی را لذت، سطح بالاتر را موفقیت و کامیابی و نوع سوم را شادی برآمده از معنویت دانسته است. وی معتقد است که شادکامی حقیقی، حاصل ارضای امیال نیست، بلکه حاصل انجام دادن چیزی است که از لحاظ اخلاقی ارزش انجام دادن دارد؛ یعنی از تجلی فضیلت حاصل می‌شود. شادی در روان‌شناسی شخصیت، به عنوان ویژگی شخصیتی پایدار تعریف می شود (کاستا و مک‌کری[4]، ۱۹۸۰، به نقل از بکت و همکاران، ۲۰۰۸). نظریه‌های شناختی، شادکامی را ناشی از مقایسه استانداردهایی می‌دانند که حاصل مجموعه‌ای از باورهای شخص است (وین‌هوون[5]، ۲۰۰۹). تئوری شادکامی، در دین مبین اسلام بر توحید مبتنی است که به معنای واقعیت‌شناسی توحیدی و هماهنگ‌سازی با واقعیتهای توحیدی است. واقعیتهایی که خداوند متعال مقدر کرده است. شناخت این واقعیتها و پذیرش آنها، موجب رضامندی از تقدیرهای خداوند و نشاط انسان می‌شود. براساس این دیدگاه، لذتهای مورد نیاز براساس الگوی الهی، تأمین می‌شوند. یعنی تحقق شادکامی مبتنی بر تنظیم همهٔ ابعاد زندگی انسان، بر اساس توحید است (پسندیده، ۱۳۹۰). افراد شادکام با نگرش مثبت و خوش‌بینانه نسبت به رویدادهای اطراف خود، در بهره‌گیری بهینه از این وقایع تلاش می‌کنند (روخس[6]، ۲۰۰۷).

1. Lin, Lin & Wu
2. Hills & Argyle
3. Sisk
4. Costa & McCrae
5. Veenhoven
6. Rojas

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1399.36.2.7.3]

مسئولیت‌پذیری و توجه به معنویات نیز از عناصر مهم در زندگی فردی و اجتماعی انسان به‌شمار می‌روند. مسئولیت‌پذیری یک ویژگی شخصیتی است که معمولاً به صورت نوعی نگرش در ساختار روانی و رفتاری فرد و در ارتباط با شرایط محیطی و اجتماعی شکل می‌گیرد. توجه به مسئولیت‌پذیری در مقاطع مختلف تحصیلی، اهمیت بسیار دارد و مسئولیت‌پذیری یک الزام و تعهد درونی از سوی فرد برای انجام دادن مطلوب فعالیتهایی است که به عهده وی گذاشته شده است. مسئولیت‌پذیری اجتماعی نوعی احساس التزام به عمل یا واکنش فردی در موقعیتهای گوناگون به دلیل تقید به دیگران است. نوعی احساس تعهد و پایبندی به دیگران، تبعیت از قواعد و معیارهای اجتماعی و درک قواعد گروهی که در ذهن فرد شکل گرفته است و بر رفتارهای او اثر می‌گذارد (سبحان‌نژاد، ۱۳۷۹؛ به نقل از یزدان‌پناه وحکمت، ۱۳۹۳). از دیدگاه فروم مسئولیت‌پذیری صرفاً وظیفه یا تکلیفی نیست که یک فرد باید انجام دهد، بلکه بیانگر نوعی احساس و حالتی است که از سوی خود فرد برانگیخته می‌شود و دربردارندهٔ پاسخ و واکنش فرد نسبت به نیازهای دیگران به صورت آشکار یا پنهان است (خدیوی و اللهی، ۱۳۹۲).

از جمله نظریاتی که دربارهٔ مسئولیت‌پذیری مطرح شده نظریهٔ وجودگرایان است. مطابق این نظریه مسئولیت‌پذیری امری وجودی است که از طریق تعلیم و تربیت شکوفا می‌شود. هر چه انسان آگاه‌تر باشد بیشتر احساس مسئولیت می‌کند. به عقیده گلاسر[1] (۲۰۰۰) مشکل انسانها و ناهنجاریهای آنها از عدم مسئولیت‌پذیری است، زیرا آنها نمی‌توانند نیازهای اساسی خود را با توجه به وضعیت صحیح و انسان‌دوستانه ارضا کنند.

مؤلفه دیگر مورد مطالعه در این پژوهش هوش معنوی است. پژوهشگران بر این عقیده اند که افراد قادرند شادکامی و خوشبختی خود را با کنترل افکار، اراده، مطالعه موضوعات دینی و بهره‌گیری از معنویات افزایش دهند(رئیسی و همکاران،۱۳۹۲). تعاریف متعددی از هوش ارائه شده است. سهرابی(۱۳۸۷) هوش را ظرفیت یادگیری، تمامیت دانش کسب شده و توانایی سازش‌یافتگی با محیط بیان کرده است. معنویت نیز از عالی‌ترین رابطه انسانی تا جستجوی یک معنای وجودی تعریف شده است (مصباح، ۱۳۸۹). هوش معنوی سازه های معنویت و هوش را با یک سازه جدید ترکیب می‌کند. معنویت با جستجو و تجربه عناصر مقدس، معنا، هوشیاری اوج یافته و تعالی در ارتباط است، در حالی‌که هوش معنوی مستلزم تواناییهایی است که از این موضوعات معنوی برای تطابق و کنش اثربخش و تولید محصولات و پیامدهای باارزش

1. Glasser

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1399.36.2.7.3]

بهره می‌گیرد (امونز،۱۹۹۹، به نقل از سهرابی،۱۳۸۷). مرعشی، نعامی، بشلیده، زرگر و غباری‌بناب (۱۳۹۱) هوش معنوی را استعداد ذاتی می‌دانند که انسان در حل مسائل معنوی و ارزشی خود به‌کار می‌گیرد و زندگی را در حالتی گسترده از غنا و معنا قرار می‌دهد. زوهر و مارشال[1] (۲۰۰۰)، هوش معنوی را یک ویژگی شخصیتی می‌دانند که بر افکار، احساسات و رفتار فرد اثر می‌گذارد و موجب می‌شود که انسان در زندگی حس معناداری و رسالت داشته باشد. هوش معنوی از روابط فیزیکی و شناختی فرد با محیط پیرامون خود فراتر می‌رود و وارد حیطه شهودی و متعالی دیدگاه فرد نسبت به زندگی می‌شود. این دیدگاه شامل همهٔ رویدادها و تجارب فرد است که تحت تأثیر نگاه کلی قرار گرفته است. فرد می‌تواند از این هوش برای چارچوب‌دهی و تفسیر مجدد تجارب خود بهره بگیرد، ضمن اینکه از لحاظ پدیدارشناختی نیز به رویدادها و تجارب فرد معنا و ارزش شخصی بیشتری می‌بخشد. هوش معنوی بیانگر مجموعه ای از تواناییها، ظرفیتها و منابع معنوی است که کاربست آنها در زندگی روزانه می‌تواند موجب افزایش انطباق‌پذیری فرد شود(سهرابی، ۱۳۸۷). توانایی شناخت امور قدسی و ماورایی و استفاده از این شناخت و منابع معنوی در جهت سازگاری بهتر با محیط (ناسل[2]، ۲۰۰۴)، فرایند جستجوی معنای وجودی، درک مسائل معنوی، فهم نمادها و مناسک دینی و توانایی استفاده بهینه از منابع معنوی برای حل مشکلات و سازگاری با محیط (الکینز، ۱۹۹۰، به نقل از خدایاری فرد وهمکاران، ۱۳۹۴)، حس داشتن مأموریت در زندگی، حس تقدس در زندگی، درک متعادل از ارزش ماده و معتقد به بهتر شدن دنیا (آمرام[3]، ۲۰۰۵) و مجموعه مهارتها و تواناییهایی که به صورتهای گوناگون در بافتهای اجتماعی، تاریخی، فعال و ارزش‌گذاری می‌شوند (امونز[4]، ۲۰۰۰) هوش معنوی را تشکیل می‌دهد. هوش معنوی مجموعه ای از قابلیتهای فرد در زمینهٔ منابع معنوی است که دربردارندهٔ نوع مؤثری از سازگاری و رفتار حل مسئله است و بالاترین سطوح رشدی را در حیطه‌های مختلف شناختی، اخلاقی، هیجانی و میان-فردی شامل می‌شود و فرد را در راستای هماهنگی با پدیده‌های اطراف خود و دستیابی به یکپارچگی درونی و بیرونی یاری می‌کند (خدایاری فرد و همکاران، ۱۳۹۴)؛ توانایی تجربه شده‌ای که به افراد امکان دستیابی به دانش و فهم بیشتر می‌دهد تا فرد از حداکثر توان خود برای دستیابی به اهداف خود استفاده کند و زمینه را برای رسیدن به کمال و ترقی انسان فراهم می‌سازد تا به

1. Zohar & Marshall
2. Nasel
3. Amram
4. Emmons

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1399.36.2.7.3]

سطح بالایی از خودکارآمدی و رضایت دست یابد (تافتگارد[1] وهمکاران، ۲۰۱۳؛ جین و پوروهیت[2]، ۲۰۰۶).

توجه به معنویات و برخورداری از توانایی درک معنویات و اعتقاد به نیروی ماورای طبیعی، نوعی آرامش را برای فرد به ارمغان می‌آورد. هوش معنوی موجب نگرش مثبت، معنادار وهدفمند به خود، دیگران و وقایع زندگی می‌شود که در جهت سازگاری و کنش‌وری بهتر و کارآمدتر عمل می‌کند (فرهوش وهمکاران، ۱۳۹۶). کینگ[3] (۲۰۰۸)، هوش معنوی را دارای چهار مؤلفه تفکر انتقادی، تولید معنای شخصی، بسط هوشیاری و آگاهی متعالی می‌داند.

شلان، زبراکی و وگِل[4] (۲۰۱۱)، نشان دادند که از پیامدهای معنوی بودن احساس قدرت و آرامش درونی است. در شرایط دشوار، معنویت ممکن است تنها منبع دست یافتن به آرامش با پذیرش موقعیت باشد. یکی از عوامل تاثیرگذار در مسئولیت‌پذیری افراد، معنویت و ساختن روایتی معنادار از زندگی و مرگ (معناسازی شخصی) است (ناکاشیما و کاندا[5]، ۲۰۰۵). معنویت را می‌توان هم در درون و هم در بیرون از ساختارهای دینی رسمی تجربه کرد و در مقایسه با دین گسترده‌تر و شخصی‌تر است. از دیدگاه روانشناسان مثبت‌نگر هوش معنوی می‌تواند بر سلامت جسمی و روانی افراد تأثیرگذار باشد و به آنها کمک کند تا خودی با ثبات داشته باشند و بتوانند نگرانیها و اضطرابها را کاهش دهند (خدایاری‌فرد و همکاران، ۱۳۹۴).

به گفته سهرابی (۱۳۸۷)، رسش و رشد معنوی، جلوه ای از هوش معنوی است که شامل درجه‌ای از رشد اخلاقی و هیجانی و همچنین رفتار اخلاقی است. هوش معنوی، به خلاف هوش کلی که رایانه‌ها هم دارای آن هستند و به خلاف هوش هیجانی که در پستانداران عالی‌تر نیز وجود دارد، منحصراً خاص انسان است. هوش معنوی اساسی‌ترین و اصلی‌ترین این سه نوع هوش است. هوش معنوی زیربنای موضوعاتی است که به آنها ایمان داریم، اساس اعتقادات، ارزشها و اعمال و ساختار زندگی ماست، دسترسی انسان را به معنا و ارزش و نیز بهره‌گیری از آنها را در شیوهٔ اندیشیدن و تصمیم گرفتن فراهم می‌کند، به انسان تمامیت می‌بخشد و به او یکپارچگی و وحدت عطا می‌کند.

1. Toftegård
2. Jain & Purohit
3. King
4. Chlan, Zebracki & Vogel
5. Nakashima & Canda

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1399.36.2.7.3]

در اینجا به نمونه ای از پژوهشهایی می‌پردازیم که نزدیک به حیطه این مطالعه اند. حسن‌دوست و همکاران (۱۳۹۵)، هوش معنوی و شادکامی را در دانشجویان پرستاری، رئیسی و همکاران(۱۳۹۲)، هوش معنوی با شادکامی و پیشرفت تحصیلی را در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی قم، عبدالخالق[1](۲۰۰۶)، شادکامی و مذهب را با نمونه ای ۲۲۱۰ نفری در دانشجویان مسلمان، شمس اسفندآباد و همکاران (۱۳۹۰)، رابطه بین نگرش مذهبی با شادکامی، احساس تنهایی، استرس ادراک شده و پیشرفت تحصیلی را در دانشجویان دختر و پسر و مالتبی[2] و همکاران (۱۹۹۹) رابطه میان نگرش دینی و شادکامی را در نوجوانان بررسی کردند. مروج (۱۳۸۸) رابطه سلامت روان، شادکامی و امید را در دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز مثبت و معنادار گزارش کرده اند. مروج در این پژوهش نشان داده که آموزه‌های مذهبی (مبتنی بر انتظار فرج) سبب افزایش سلامت روان، شادکامی و امید شده است. علی‌محمدی و جان‌بزرگی(۱۳۸۷)، نیز میان شادکامی و جهت‌گیری مذهبی، رابطه معنادار مثبت و میان افسردگی و جهت‌گیری مذهبی همبستگی منفی و معنادار ملاحظه کرده اند. فرانسیس[3] و همکاران (۲۰۰۰)، میان نگرش مذهبی با شادکامی وخودشکوفایی دانشجویان رابطه معنادار مثبت ملاحظه کرده اند.

سیتارنیوز[4] (۲۰۰۰)، مسئولیت‌پذیری و انواع متغیرهای شغلی را در کارکنان چند شرکت بزرگ ایالت اوکلاهامای آمریکا نشان داده است. کارکنانی که از مسئولیت‌پذیری بالاتری برخوردار بودند از رضایت شغلی و شادکامی بیشتری برخوردار بودند، به زندگی خوش‌بین‌تر و در برابر استرس و فرسودگی شغلی مقاوم‌تر بودند. عظیم‌زاده پارسی و همکاران (۱۳۹۰)، ارتباط میان مؤلفه‌های مدل پنج عاملی شخصیت و شادکامی در دانشجویان را بررسی کرده و نشان داده است که شادکامی با مسئولیت‌پذیری همبستگی مثبت و معنادار و با روان رنجوری همبستگی منفی و معنادار دارد. رضایی و همکاران (۱۳۸۵)، نشان داده اند که مسئولیت‌پذیری مربیان تربیتی زن شهرستان اهواز، می‌تواند پیش بینی کننده شادکامی آنها باشد. موسوی (۱۳۷۷)، میان مسئولیت‌پذیری و خشنودی شغلی با انگیزه پیشرفت و سلامت روانی رابطه مثبت و معنادار نشان داده است. به گفته گرین[5] و همکاران(۲۰۰۹) حس همدلی موجب مسئولیت‌پذیری افراد جامعه می‌شود و افزایش

1. Abdel-Khalek
2. Maltby
3. Francis
4. Sitarenios
5. Green

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1399.36.2.7.3]

مسئولیت‌پذیری اجتماعی سبب افزایش نوعدوستی و ارتباطات میان- فردی و در نتیجه شادی افراد می‌شود.

با توجه به تعاریف هوش معنوی، به ویژه نقش آن در حل مسائل وجـــودی و یافتن معنـــا و هدف در اعمـــال و رویدادهای زندگی روزمره (زوهر و مارشال، ۲۰۰۰؛ ولمن[1]، ۲۰۰۱؛ ناسل، ۲۰۰۴؛ کینگ، ۲۰۰۷، به نقل از سهرابی، ۱۳۸۷)، شادکامی و مسئولیت‌پذیری از اهداف مهم جامعه امروز و بالطبع اهداف مورد توجه نظام آموزشی کشور ماست و با توجه به اینکه پژوهشهای چندانی که این سه مؤلفه را با هم مورد بررسی قرار داده باشند، یافت نشد، در این پژوهش به یافتن رابطه این سه مؤلفه در مقطع متوسطه پرداخته شده است. سؤال مطرح شده در این پژوهش عبارت است از اینکه آیا میان هوش معنوی، مسئولیت‌پذیری و شادکامی، به ویژه در دانش آموزان مقطع متوسطه رابطه ای وجود دارد؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر توصیفی و از نوع همبستگی است که به منظور بررسی رابطه میان هوش معنوی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی با شادکامی دانش آموزان دختر دبیرستانی در سال ۹۶- ۱۳۹۵ انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانش آموزان دختر مقطع متوسطه شهر قزوین در سال ۹۶- ۱۳۹۵ بوده است. نمونه تحقیق ۱۵۰ نفر ازاین دانش آموزان بودند که با روش نمونه‌گیری دردسترس انتخاب شدند.

ابزار گردآوری اطلاعات: از پرسشنامه اندازه‌گیری هوش معنوی۹۷ سؤالی ناصری(۱۳۸۷)، با روایی برابر با ۰/۹۶ و ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۵، پرسشنامه شادکامی ۲۹ ماده ای آکسفورد[2] (۱۹۸۹)، با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۸ و پایـایی به روش دو نیمه کردن ۰/۹۲ و روش بازآزمایی ۰/۷۹ و پرسشنامه ۲۲ سؤالی تفسیرهای مسئولیت سالکوسکیس[3](۲۰۰۰)، با ضریب پایایی بازآزمایی ۰/۹۰ و روایی ۰/۶۷ استفاده شد. داده‌های حاصل از پرسشنامه‌های این پژوهش با روشهای آمار توصیفی و استنباطی (همبستگی پیرسون، رگرسیون و آزمون t) در قالب نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شده اند.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش، ماتریس همبستگی صفر مرتبه متغیرهای پژوهش و جداول رگرسیونی برای بررسی قدرت هوش معنوی و مسئولیت‌پذیری در پیش‌بینی شادکامی و

1. Wolman
2. Oxford Happiness Inventory
3. Responsibility Interpretations Questionnaire (RIQ) - Salkovskis

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1399.36.2.7.3]

جداول تی تست و تحلیل واریانس تک‌راهه برای بررسی تفاوتهای دموگرافیک در متغیر شادکامی ارائه شده است.

در جدول شماره ۱ شاخصهای توصیفی شامل میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمره، برای متغیرهای پژوهش آورده شده است.

جدول ۱: شاخصهای توصیفی متغیرهای پژوهش(N=150)

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	حداقل نمره	حداکثر نمره
هوش معنوی	۲۵۸/۶۳	۲۷/۴۶	۱۹۸	۳۴۳
مسئولیت پذیری	۱۰۸/۷۷	۲۱/۸۳	۲۲	۱۵۱
شادکامی	۸۵/۵۵	۱۴/۵۶	۵۲	۱۱۲

ماتریس همبستگی صفر مرتبه متغیرهای پژوهش

به منظور بررسی رابطه میان متغیرهای پژوهش (هوش معنوی، مسئولیت‌پذیری و شادکامی) همبستگی مرتبه صفر این متغیرها محاسبه و ماتریس همبستگی این متغیرها در جدول شماره ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲: ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیر	هوش معنوی	مسئولیت پذیری	شادکامی
هوش معنوی	۱		
مسئولیت پذیری	۰/۰۵	۱	
شادکامی	۰/۲۸*	۰/۴۲*	۱

* درسطح p<۰/۰۰۱ معنادار است

همان طورکه جدول شماره ۲ نشان می‌دهد، همبستگی شادکامی با مسئولیت پذیری قوی‌تر از هوش معنوی است، با این حال هر دو ضریب در سطح ۰/۰۰۱ معنادار هستند.

جدول ۳: رگرسیون چندگانه شادکامی روی هوش معنوی و مسئولیت‌پذیری

متغیر	F	Sig.	Beta	B	Sig.	R	R^2
مسئولیت پذیری	۲۳/۸۳	۰/۰۰۱	۰/۴۰	۰/۲۷	۰/۰۰۱	۰/۵۰	۰/۲۵
هوش معنوی			۰/۲۶	۰/۱۴	۰/۰۰۱		

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1399.36.2.7.3]

جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که رگرسیون چندگانه شادکامی روی هوش معنوی و مسئولیت‌پذیری معنادار است. به این ترتیب که هوش معنوی و مسئولیت‌پذیری پیش‌بینی کننده مثبت و معنادار شادکامی دانش آموزان هستند (P< ۰۰۱/) و ۲۵ درصد از واریانس آن را پیش‌بینی می‌کنند. این یافته‌ها با فرضیه پژوهش هماهنگ است. بنابراین معادله رگرسیون شادکامی روی هوش معنوی و مسئولیت‌پذیری برحسب ضریب Beta استاندارد شده به صورت زیر است:

$$y = 0.40\,x_1 + 0.26x_2$$

ضریب استاندارد(بتا)در شکل شماره یک آورده شده است.

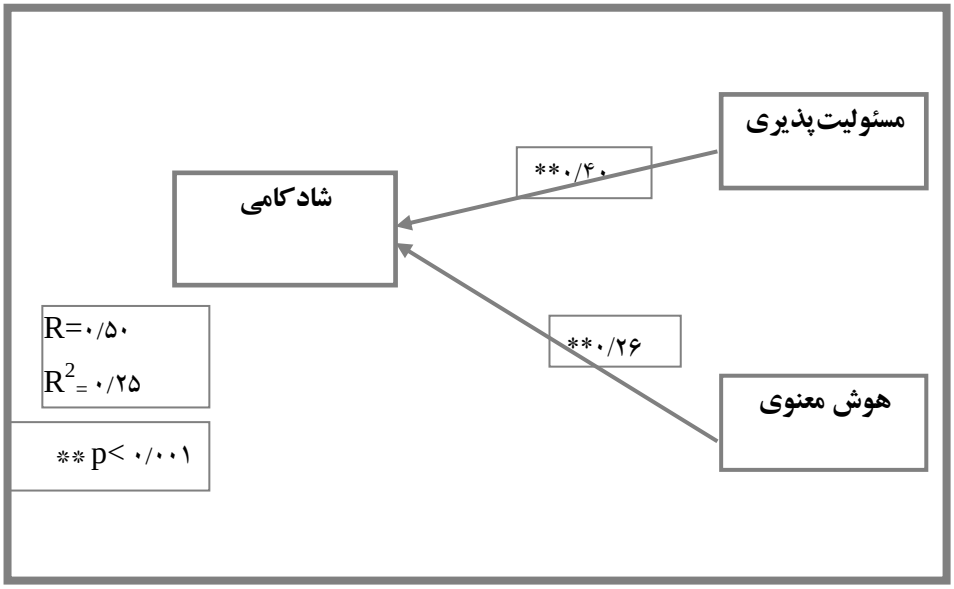

شکل ۱: دیاگرام رگرسیون شادکامی روی مسئولیت‌پذیری و هوش معنوی

همان گونه که ضرایب مسیر نشان می‌دهند، مسئولیت‌پذیری در مقایسه با هوش معنوی پیش-بینی کننده قوی تر شادکامی دانش آموزان است.

بحث و نتیجه‌گیری

براساس نتایج به دست آمده هوش معنوی با همبستگی ۰/۲۸ پیش بینی کننده مثبت و معنادار شادکامی دانش آموزان است که با نتایج تحقیقات، حسن‌دوست و همکاران (۱۳۹۵)، شمس اسفندآباد و همکاران (۱۳۹۰)، علی‌محمدی و جانبزرگی (۱۳۸۷)، حسین‌چاری وهمکاران (۱۳۸۹)، مروج (۱۳۸۸)، عبدالخالق و ناصر (۲۰۰۷)، عبدالخالق (۲۰۰۶)، موریرا – آلمیدا[1] (۲۰۰۶)

1. Moreira-Almeida

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1399.36.2.7.3]

و مالتبی و همکاران (۱۹۹۹) همخوانی دارد. با استناد به آیه شریفه «آگاه باشید که با یاد خدا دلها آرامش می‌یابند (رعد، آیه ۲۸)» می‌توان گفت از آثار ایمان به خدا، آرامش درون و نشاط و شادکامی است. همچنین هوش معنوی بر جنبه‌های غیر مادی و غیر جبری بنا شده و در برگیرنده منابع معنوی، ارزشها و ویژگیهایی است که عملکرد و سلامت روان را افزایش می‌دهد. همان‌طور که پژوهشگران عقیده دارند که افراد قادرند شادکامی و خوشبختی خود را با کنترل افکار و اراده خویش، مطالعه موضوعات دینی و بهره‌گیری از معنویات افزایش دهند. عقیده به اینکه نیرو و هدف ماورایی در جهان وجود دارد، می‌تواند منجر به شادکامی افراد شود (خدایاری‌فرد و همکاران، ۱۳۹۴).

نتایج این پژوهش بیانگر این است که مسئولیت‌پذیری با همبستگی ۰/۴۲ پیش‌بینی کننده مثبت و معنادار شادکامی دانش آموزان است که با نتایج پژوهشهای گرین و همکاران (۲۰۰۹)، هیلز و آرگایل(۲۰۰۱)، سیتارنیوز (۲۰۰۰)، عظیم‌زاده پارسی و همکاران (۱۳۹۰) و رضایی و همکاران (۱۳۸۵) همسوست.

نتایج پژوهش همچنین نشان داد که مسئولیت‌پذیری در مقایسه با هوش معنوی پیش‌بینی کننده قوی‌تر برای شادکامی دانش آموزان است. در تبیین این امر می‌توان گفت افراد مسئولیت‌پذیر با پذیرش نتایج رفتار خود، آگاهانه به انتخاب و عمل دست می‌زنند و با پذیرش و احترام به ارزشهای مطلوب جامعه، به نوعی به ارضای نیازهای فردی و اجتماعی خود دست می‌یابند و به خشنودی و آرامش می‌رسند و نشاط و شادکامی را تجربه می‌کنند. پژوهشی در زمینه هوش معنوی و مسئولیت‌پذیری مشاهده نشده و مطالعه بیشتر در این زمینه ضروری است.

نتیجه این پژوهش و نیز پژوهشهای مشابه بیانگر این مهم است که تدارک آموزشهای مناسب و مستمر در ارتقای هوش معنوی و برنامه‌هایی برای تقویت ارزشهای دینی و پرورش حس مسئولیت‌پذیری از نکات مهمی اند که نظام آموزشی باید از دورهٔ ابتدایی مورد توجه قرار دهد. ایجاد ساختار غیر متمرکز، کانالهای ارتباطی بیشتر و مستمر میان دانش آموزان و معلمان و برنامه‌های سنجش و ارزیابی به منظور شناخت مشکلات و نیازهای اساسی دانش آموزان و ایجاد زمینه‌های لازم برای فعالیتهای گروهی، فراهم کردن محیط شاد و بی‌دغدغه برای پاسخ‌گویی به ابهامات و سؤالات معنوی آنها می‌تواند راهکاری برای ایجاد روحیه شاد، ارتقای هوش معنوی و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان باشد. وجود مشاوران متعهد و آگاه در مدارس می‌تواند احساس تعهد و مسئولیت‌پذیری را در دانش‌آموزان تقویت کند.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1399.36.2.7.3]

منابع

قرآن کریم. (۱۳۷۹). خط عثمان طه، ترجمه محمد کاظم معزی. نشر صابرین.

پسندیده ، عباس. (۱۳۹۰). نظریه توحید در شادکامی. *نشریه روان‌شناسی و دین*، ۴ (۳)، ۱-۳۰.

حسن‌دوست، فاطمه؛ علیزاده، عاطفه؛ مؤمنی، مریم؛ نوروزی پرشکوه، نسترن؛ حاج هاشم‌خانی، ملیحه اعظم؛ یوسفی، فاطمه و دربهانی‌نژاد، زهره. (۱۳۹۵). ارتباط هوش معنوی با شادکامی در دانشجویان پرستاری دانشکده پرستاری و مامایی قزوین در سال۱۳۹۴. *مجله علمی دانشکده پرستاری و مامائی همدان*، ۲۴ (۴)، ۲۶۴-۲۷۱.

حسین‌چاری، مسعود؛ عشقان‌ملک، وحیدرضا؛ ذبیحی‌دان، سحر و کشتکاران، کتایون. (۱۳۸۹). *پیش بینی شادی براساس مؤلفه‌های هوش معنوی*. اولین همایش کشوری دانشجویی عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، تهران، دانشگاه علوم پزشکی ایران.

خدایاری‌فرد، محمد؛ غباری‌بناب، باقر؛ سهرابی، فرامرز؛ خرمی‌مارکانی، عبدالله؛ زمانپور، عنایت‌الله و راقبیان، رویا. (۱۳۹۴). *طرح تدوین مبانی نظری و طراحی مقیاس هوش معنوی*. دانشکده روانشناسی وعلوم تربیتی دانشگاه تهران.

خدیوی، اسدالله و اللهی، ایران. (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین مسوؤلیت پذیری و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر مقطع اول متوسطه (پایه هفتم) شهرستان مهاباد. *نشریه علمی – پژوهشی زن ومطالعات خانواده*، ۶ (۲۲)، ۳۷-۵۹ .

رئیسی، مرضیه؛ احمری‌طهران، هدی؛ حیدری، سعیده؛ جعفربگلو، عصمت؛ عابدینی، زهرا و بطحایی، سید احمد. (۱۳۹۲). ارتباط هوش معنوی با شادکامی و پیشرفت تحصیلی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی قم. *مجله ایرانی آموزش درعلوم پزشکی*، ۱۳ (۵)، ۴۳۱-۴۴۰.

رضائی، رزیتا؛ بهشتی، زهرا؛ حاجی‌حسینی؛ فاطمه و سیدی اندی، سید جلیل. (۱۳۸۵). بررسی مقا یسه ای سلامت روان در دانشجویان سال اول و آخر رشته پرستاری. پژوهش *پرستاری*، ۱ (۳)، ۶۷-۷۴.

سهرابی، فرامرز. (۱۳۸۷). مبانی هوش معنوی. *فصلنامه سلامت روان*، ۱ (۱)، ۱۴-۱۸.

شمس اسفندآباد، حسن؛ جهانی، مولود و ناجی نیا، محمد. (۱۳۹۰). *بررسی مقایسه ای رابطه بین نگرش مذهبی با شادکامی، احساس تنهایی، استرس ادراک شده و پیشرفت تحصیلی در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)*. اولین کنگره بین المللی روان‌شناسی، دین و فرهنگ. دانشگاه تهران ۲۶-۲۴ اردیبشت ۱۳۹۰. تهران.

عظیم‌زاده‌پارسی، آرزو؛ حسینی‌مهر، علی و رحمانی، عذرا. (۱۳۹۰). بررسی ارتباط بین مؤلفه‌های مدل پنج عاملی شخصیت و شادکامی در دانشجویان. *فصلنامه روانشناسی تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن*، ۲ (۲)، ۱-۱۲.

علی‌محمدی، کاظم و جان‌بزرگی، مسعود. (۱۳۸۷). بررسی رابطه میان شادکامی با جهت‌گیری مذهبی و شادکامی روانشناختی و افسردگی در دانش‌پژوهان مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قم در سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵. *فصلنامه روان‌شناسی دین*، ۱ (۲)، ۹۶-۱۰۶.

فرهوش، محمد؛ تقیان، حسن؛ جمشیدی، محمدعلی و کشمیری، رقیه. (۱۳۹۶). فراتحلیل مطالعات هوش معنوی. *دوفصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات اسلامی و روانشناسی*، ۱۱ (۲۰)، ۳۹-۵۸.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1399.36.2.7.3]

مرعشی، سیدعلی؛ نعامی، عبدالزهرا؛ بشلیده، کیومرث؛ زرگر، یداله و غباری‌بناب، باقر. (۱۳۹۱). تاثیر آموزش هوش معنوی بر بهزیستی روان‌شناختی، اضطراب وجودی و هوش معنوی در دانشجویان دانشکده نفت اهواز. *دست‌آوردهای روانشناختی*، ۴ (۱)، ۶۳-۸۰.

مروج، سیده فائزه. (۱۳۸۸). *بررسی تاثیر آموزه‌های مذهبی (مبتنی بر انتظار فرج) بر سلامت روان، شادکامی و امید دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز.

مصباح، علی. (۱۳۸۹). واکاوی مفهومی معنویت و مسئله معنا. *فصلنامه اخلاق پزشکی*، ۴ (۱۴)، ۲۳-۳۹.

موسوی دەموردی، سیدعلی. (۱۳۷۷). *رابطه خشنودی شغلی و انگیزه پیشرفت با سلامت روانی و مسئولیت پذیری مربیان تربیتی مرد* آموزشگاه‌های اهواز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه شهید چمران اهواز.

ناصری، اسماعیل. (۱۳۸۷). *ساخت و هنجاریابی پرسشنامه هوش معنوی*. رساله کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی.

یزدان‌پناه، لیلا و حکمت، فاطمه. (۱۳۹۳). بررسی عوامل مؤثر بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی جوانان (مطالعهٔ دانشجویان دانشگاه شهید باهنر کرمان). *مطالعات اجتماعی ایران*، ۸ (۲)، ۱۲۸-۱۵۲.

Abdel-Khalek, A. M. (2006). Happiness, health and religiosity: Significant relations. *Mental Health, Religion and Culture*, *9*(11), 85-97.

Abdel-Khalek , A. M., & Naceur, F. (2007). Religiosity and its association with positive and negative emotions among college students from Algeria. *Mental Health, Religion & Culture*, *10*(2), 159-170.

Amram, J. Y. (2005). *Intelligence beyond IQ: The contribution of emotional and spiritual intelligences to effective business leadership*. Palo Alto, California: Institute of Transpersonal Psychology.

Argyle, M., Martin, M., & Crossland J. (1989). Happiness as a function of personality and social encounters. In J. P. Forgas, & J. M. Innes (Eds.), *Recent advances in social psychology: An international perspective* (p. 189-203). North-Holland: Elsevier.

Bekhet, A. K., Zauszniewski, J. A., & Nakhla, W. E. (2008). Happiness: Theoretical and empirical considerations. *Nursing Forum, 43*(1), 12-23.

Chlan, K. M., Zebracki, K., & Vogel, L. C. (2011). Spirituality and life satisfaction in adults with pediatric-onset spinal cord injury. *Spinal Cord, 49*(3), 371-375.

Emmons, R. A. (2000). Is spirituality an intelligence? Motivation, cognition, and the psychology of ultimate concern. *The International Journal for the Psychology of Religion, 10*(1), 3-26.

Francis, L. J., Jones, S. H., & Wilcox, C. (2000). Religiosity and happiness: During adolescence, young adulthood and later life. *Journal of Psychology and Christianity, 19*(3), 245-257.

Glasser, W. (2000). *Counseling with choice theory: The new reality therapy*. New York: Harper Collins.

Green, A.D., Tripp, D.A., Sullivan, M.J., & Davidson, M. (2009). The relationship between empathy and estimates of observed pain. *Pain Medicine, 10*(2), 381-392.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1399.36.2.7.3]

Hills, P., & Argyle, M. (2001). Emotional stability as a major dimension of happiness. *Personality and Individual Differences, 31*(8), 1357-1364.

Jain, M., & Purohit, P. (2006). Spiritual intelligence: A contemporary concern with regard to living status of the senior citizens. *Journal of the Indian Academy of Applied Psychology, 32*(3), 227-233.

King, D. B. (2008). Rethinking claims of spiritual intelligence: A definition, model, and measure. Unpublished master's thesis, Trent University, Ontario.

Maltby, J., Lewis, C. A., & Day, L. (1999). Religious orientation and psychological well-being: The role of the frequency of personal prayer. *British Journal of Health Psychology, 4*(Part 4), 363-378.

Moreira-Almeida, A., Neto, F. L., & Koenig, H. G. (2006). Religiousness and mental health: A review. *Rev Bras Psiquiatr, 28*(3), 242-250.

Nakashima, M., & Canda, E. R. (2005). Positive dying and resiliency in later life: A qualitative study. *Journal of Aging Studies, 19*(1), 109-125.

Nasel, D. D. (2004). *Spiritual orientation in relation to spiritual intelligence: A new consideration of traditional Christianity and New Age/individualistic spirituality*. Doctoral dissertation. The University of South Australia.

Rojas, M. (2007). Heterogeneity in the relationship between income and happiness: A conceptual-referent-theory explanation. *Journal of Economic Psychology, 28*(1), 1-14.

Salkovskis, P., Wroe, A., Gledhill, A., Morrison, N., Forrester, E., Richards, C., Reynolds, M., & Thorpe, S. (2000). Responsibility attitudes and interpretations are characteristic of obsessive compulsive disorder. *Behavior Research and Therapy, 38*(4), 347-372.

Sisk, D. (2008). Engaging the spiritual intelligence of gifted student to build global awareness in the classroom. *Roeper Review, 30*(1), 24-30.

Sitarenios, G. (2000). *Emotional intelligence in the prediction of placement success in the company "business incentives"*. Paper presented at Conference on Multi-Health Systems, Canada, Toronto.

Toftegård A. L., Voigt Hansen, M., Rosenberg, J., & Gögenur, I. (2013). Pharmacological treatment of depression in women with breast cancer: A systematic review. *Breast Cancer Research and Treatment, 141*(3), 325-330.

Veenhoven, R. (2009). How do we assess how happy we are? Tenets, implications and tenability of three theories. In A. K. Dutt, & B. Radcliff (Eds.), *Happiness, economics and politics*: *Towards a multi-disciplinary approach.* Edward Elgar Publishing.

Wolman, R. N. (2001). *Thinking with your soul: Spiritual intelligence and why it matters*. New York: Harmony Books.

Zohar, D., & Marshal, I. (2000). *Spiritual intelligence: The ultimate intelligence*. Bloomsbury Pub.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1399.36.2.7.3]